

بقلم: آقای عبدالوهاب قائم مقامی

بقیه از شماره قبل

توضیحی چند درباره برخی کلمات و اسامی در اشعار اساتید باستان

شب سده و آن جشنی است که فارسیان در شب دهم بهمن گیرند که مطابق شب اول چله کوچک زمستان است که پنجاه روز بعید نوزد مانده میشود چنانکه منوچهری در این قصیده توضیح داده است.

بر لشگر زمستان نوزد نامدار
کرد است رأی تاختن و عزم کار زار
وینک بیامد است پنجاه روز پیش
جشن سده طلایه نوزد نامدار
عنصری نیز گوید:

سده جشن ملوک نامدار است
زمین از نور گویی کوه طور است
گر از فصل زمستانست بهمن
ز افریدون و زجم یاد گاز است
کز نور تجلی آشکار است
چرا المشب جهان چون نوبهار است

فردوسی در سلطنت هوشنگ فرموده است:
بر افروختند آتش و باده خورد
و نیز منوچهری گوید:

آمد ای سید احرار شب جشن سده

شب جشن سده را حرمت بسیار بود
بر فروز آتش برزین که درین فصل شنا
آذر برزین پیغمبر آزاد بود
آتشی باید چونانکه فروزد علمش

بر تر از گردش این گنبد دوار بود

چنانکه در شاهنامه دیگر کتب مندرج است گوید در این روز آتش در عالم

پیدا شده و بنی نوع بشر بوجود آتش پی برده از این جهت در اینروز جشن گیرند و چنانکه منوچهری توضیح داده است این جشن را در پنجاه روز بعید نوروزمانده گیرند مرحوم هدایت در فرهنگ نوشته است که این عید را بدان سبب سده گویند که چون پنجاه روز و پنجاه شب بعید نوروز مانده که صد می شود گفتند (این عید و جشن هنوز در بعضی از قراء ترك نشین بلکه سایر قراء و دهات معمول و مرسوم است که گیرند ولی بدین طریق که ذکر می شود که در این شب اهالی این قریه و ده مجتمع شده و با ساز و نقاره در دوره گردش نموده و این ترانه را مکرر می گویند یعنی شخصی که در جلو این دسته در حرکت و بعنوان نوحه خوان بطور پرسش میگوید بترکی (نه قالدی) یعنی چقدر بعید نوروز مانده است سایرین در جواب او با فریاد بلند میگوید (قرخ گته اله قالدی) یعنی چهل روز رفته و پنجاه روز مانده است و این کار در شب اول چله کوچک زمستان معجزا می گردد که در همه جا بدسته نقالدی معروفست و این عمل کم کم عقب افتاده تا چند روز بعید نوروز مانده که آتش افروز و عمو نوروز شده باین شکل درآمده است و این جشن سده میباشد)

و سبب دیگر نامیده شدن این جشن بسده برای این است که چون فارسیان در قدیم سال را بدو قسمت تقسیم نموده بودند تابستان و زمستان تابستان را هفت ماه حساب می کردند و زمستان را پنجاه و شب جشن سده چون یکصد روز بحساب ایشان از زمستان گذشته بدین جهت سده نامیدند زیرا از اول آبان مطابق برج عقرب زمستان را حساب میکردند پس بدین حساب از اول آبان تا دهم بهمن یکصد روز می شود.

دیگر از اعیاد فارسیان که در شرح بیست باب ذکر کرده و در تقویم هم مندرج است (رکوب کوسج) که در فارسی آنرا (کوسه بر نشین) گویند میباشد و آن جشن را در روز اول آذر ماه بزد گردی که مطابق ۱۵ فروردین ماه می شود گیرند و آن چنانست که مردی کوسج را لباس بسیار بر او پوشانیده و بر خری سوار نموده و جمعیتی

دزاطراف باساز تقار در شهر گردش داده و از هر دکانی وجهی میگرفتند و تحویل خزانه شاهی مینمودند .

و دیگر ازعیاد فارسیان در شرح بیست باب ذکر کرده است در تقاویم هم درج میشود جشن (بادبره) است که در روز باد که ۲۲ است در ماه بهمن گیرند و بعقیده آنها از این روز باد بهاری شروع بوزیدن مینماید .

و دیگر ازعیاد فارسیان که در قدیم معمول و در شرح بیست باب هم متذکر شده است جشن (فروردگان) که در روز (اردیا آزاد) که روز بیست و پنجم هر ماه است در اسفند ماه که ده روز بعید نوروز مانده است گیرند زیرا ۵ روز از تهمه اسفند و ۵ روز خمسه مسترقه است .

و این روز اختصاص دارد بر رفتن بدخمه مردگان که باصطلاح اسلامی زیارت اهل قبور گویند .

(این کار و عمل رفتن زیارت اهل قبور را عیسویها نیز دارند که در چند روز بعید سالشان مانده روز مخصوصی است که زیارت اهل قبور میروند بطور عمومی) .

دیگر ازعیاد فارسیان که در شرح بیست باب مندرج است جشن (آبانگاه) که در دهم فروردین ماه گیرند .
و اگر در این روز جشن باران بارید این جشن را (آبانگاه) مردان و اگر نبارید (آبانگاه) زنان گویند .

و دیگر ازعیاد فارسیان در شرح ۲۰ باب متذکر است جشن (مردگیران) است که در پنجروزه خمسه مسترقه انجام داده میشود .

و آن چنانست که این پنجروزه اختصاص دارد باستخدام نوکر و مستخدم و غیره که در اینروزها مرد گیرند و مستخدم استفاده مینمایند .

و دیگر ازعیاد بزرگ فارسیان در شرح بیست باب مندرج است و در تقاویم هم درج میشود جشن (گاهنبار) است و آن شش گاه است بشرح ذیل جشن گرفته

میشود بدین ترتیب طبق شهور یزد گردی :

گاه اول ۱۱ دی ماه

گاه دوم ۱۱ اسفند ماه

گاه سوم ۲۶ اردی بهشت ماه

گاه چهارم ۲۶ خرداد ماه

گاه پنجم ۱۶ شهریور ماه

گاه ششم ۳۰ آبان ماه

برای این اعیاد و جشنها دلائلی ذکر کرده اند که ذیلا مندرج میگردد :

گاه اول (که مطابق ۲۴ اردیبهشت ماه باستانی است) گویند که خداوند در اینروز آسمانها را آفریده است .

گاه دوم (مطابق ۲۳ تیر باستانی است) گویند که خداوند در اینروز ابر را آفریده است .

گاه سوم (مطابق ۴ مهر ماه باستانی است) گویند که خداوند در اینروز زمین را آفریده است .

گاه چهارم (مطابق ۴ آبان ماه باستانی است) گویند که خداوند در اینروز نباتات و درختها و گیاهها را آفریده است .

گاه پنجم (۲۴ دی ماه باستانی است) گویند که خداوند در اینروز حیوانات را آفریده است .

گاه ششم (مطابق ۹ فروردین باستانی است) گویند که در اینروز خداوند انسانرا آفریده است .

این اعیاد و جشنها در بعد از اسلام هم معمول و متداول بوده یعنی بعد از مجزا شدن ایران از دولت عرب تقریباً از اواسط قرن سوم هجری در ایران معمول شده و مراعات میگردند چنانکه تمام شعرای هر زمان در مدح و توصیف آنها اشعار بسیار سروده اند که در دوا این آنها مندرج است که در تهنیت این اعیاد و جشنها

گفته‌اند که بطور نمونه پاره از آنها در اول مقاله ذکر شد و این ترتیب برقرار بود تا زمان استیلای مغول که کم کم از بین رفت.

اما ترتیب و قاعده تاریخ در بین فارسیان قبل از اسلام و دوره ساسانیان از ترتیب گذاردن تاریخ در قرون گذشته یعنی دوره هخامنشی و (کیان) چیزی فعلاً در دست نیست که بتوان بطور قطع و یقین معین نموده و یا تعیین نمود که مبدأ تاریخ ایشان چه بوده است ولی در زمان ساسانیان تاریخ خود را بدین طریق ثبت و ضبط مینمودند که ذیلاً درج میشود:

چون اسامی ایام چنانکه در پیش ذکر شد نزد همه کس معلوم و مشخص بوده و اختلافی در آنها نبوده لذا فقط بذکر اسم آنروز قناعت کرده و ذکر روز و ماه را ثبت مینمودند و از ذکر اسم روز تاریخ از آن استفاده میشد.

و اما راجع بمبدأ تاریخ نظر باینکه رسم و معمول چنان بود که مبدأ تاریخ ایشان ابتدای سلطنت هر پادشاهی بوده و بمردن آن پادشاه اسم و مبدأ تاریخ هم تغییر کرده و عوض میشد بدین ترتیب که مثلاً بهرام گور که شاه شد تاریخ را بهرامی مینوشتند و مبدأ آنهم روز جلوس او در هر تاریخی یا ماهی که بوده قرار داده میشده است پس از فوت او که سلطنت و پادشاهی به پسرش یزدگرد رسید چنانکه سکه تغییر میکرده است تاریخ سال و اسم آنهم تغییر میگرد و مبدأ تاریخ روز جلوس او بوده و سال را یزدگردی یا شاپوری یا خسروی یا سایر اسامی سلاطین ساسانی نامیده شد و این ترتیب برقرار بود تا سلطنت یزدگرد آخر سلاطین ساسانی رسید و چون بعد از او دوره ساسانیان منقرض شد لذا این اسم برای سال فارسیان باقی مانده است.

و چون یزدگرد آخر سلاطین ساسانی در آبان ماه یعنی در نهم آبان بر تخت نشست لذا روز نوروز و مبدأ سال فارسیان یعنی ابتداء سال ایشان ماه آبان که بواسطه تغییرات فلکی که هر سالی چند ساعتی اختلاف پیدا میکند از نهم آبان به ۲۲ رسیده است که در این سنوات ۲۲ آبان را عید گرفته که عید نوروز فارسیان است و

خمسه مترقه و کبیسه خود را هم در آخر آبان ماه گیرند .

پس از مندرجات فوق چنین نتیجه بدست آمد که در زمان ساسانیان مبداء و ملاک تاریخ ثابتی برای سال درست نبوده است و بدین طریق تاریخ خود را ثبت مینمودند چنانکه فردوسی در تاریخ اتمام شاهنامه فرموده است :

بیای آمد این قصه یزد کرد بماء سفندار مذ روز آدر

ز هجرت شده پنج هشتاد بار که گفتم من این نامه شاهوار

بنابر این تاریخ اتمام شاهنامه در روز (آدر) یعنی (۲۵) از ماه (اسفند) سنه ۴۰۰

هجری بوده است چون ۸۰ پنجم ۴۰۰ میشود .

بعد از انقراض سلطنت عجم و استیلای عرب در ایران قریب دوست سال که در ایران سلطنت مستقلی وجود نداشت اهالی بعضی تاریخ عربی و بعضی تاریخ فارسی را استعمال مینمودند تا بعد از استقلال سلطنت در ایران از زمان سامانیان و مابعداها باز همان تاریخ فارسی را استعمال نموده و مبعرا میداشتند چنانکه تاریخ شاهنامه برای شاهد ذکر شد و ماههای سال را هم بهمان حساب ماهها و شهور یزد گردی محسوب میداشتند .

چنانکه از اشعار شعرای زمان مستفاد میشود عنصری گوید :

اگر بتیر مه از جامه بیش باید تیر

چرا برهنه شود بوستان چو آید تیر

نظر باینکه تیر فرسی یزد گردی مطابق ماه آبان و برج عقرب میشود میگوید

اگر در تیر ماه که وسط فصل خزان و موقع سردی هوا باید لباس و جامه بیشتر پوشید

پس چرا بوستان و درختان بر گشان میریزد .

و نیز قطران تبریزی گوید :

لاله سرخی یافته از تو همی گاه بهار

آبی از من یافته زردی بگاہ تیر تیر

چون به در پائیز و اوایل زمستان میرسد اینست که در ماه تیر فرس قدیم واقع

میشود و این ترتیب ثبت تاریخ در ایران برقرار بوده تا زمان سلطان جلال‌الدین ملک شاه سلجوقی که حکیم و منجم و ریاضی‌دان معروف عمر خیام تاریخ جلالی را وضع نموده و مبداء سال را اول فروردین مطابق اول برج حمل قرار داده و آن معمول به ایران شد.

(ادبا و فضایل دوره اسلامی هم تاریخی وضع نموده که در بعضی از کتب قدیمه یعنی در هزار سال قبل برقرار و مابعد دیده میشود که گویا از تاریخ فارسی اقتباس شده باشد چنانکه ذیلا درج میشود.

مثلاً یوم السبت (یا یکی از ایام هفته) من عشر الاول من شهر الثالث من عشر الثامن من مائة الرابع من الف الثانی من الجهرة .

(یعنی روز شنبه از دهه اول ماه سوم از دهه هشتم از صد و چهارم از هزار دوم هجری) .

و دیگر از آداب و رسوم که در زمان قدیم یعنی قبل از اسلام در ایران معمول و مرسوم بوده که هنوز هم فارسیان آنرا هجرا میدارند آنستکه در هر یک از این روزها سیصد و شصت و پنج روز سال زمزمه و سرودی یا باصطلاح اسلامی دعای مخصوصی داشته که آنروز میخواندند . چنانکه هنوز چهری بطور مثال در این بیت ذکر کرده است .

در ولوله شد چو مطربان بلبل مع علوم انان در زمره مه شد چو مؤبدان قمری
و چنانکه ذکر شد در هر یک از این ایام مخصوصاً اعیاد و جشنها سرود خاصی داشته که در آنروز و آن جشن مینواخته‌اند چنانکه قبلاً راجع بنوز روز و نوروز بزرگ شعر منوچهری بطور مثال ذکر شد و مخصوصاً بارید سازنده معروف خسرو پرویزی آواز یا ترانه یا تصنیف یا لحن ساخته بود که هر کدام در روز مخصوصاً بآن در مجلس خسرو زده میشد و آنرا سی لحن بارید گویند و در فرهنگها و اشعار شعرا مکرر ذکری از آن شده و اسامی آنها بترتیب ایام ماه ذیلا درج میشود .

آرایش خورشید - اورنگی - آئین جمشید - باغ شیرین - تخت طاقدیس -

حقه کلاس - راج روح - رامش جان - سبزدرسبز - سروستان - سروسپی - شادروان -
 مروارید - شبديز - شب فرخ - قفل رومی - گنج باد آورده - گنج گاو - گنج سوخته
 کین ایرج - کین سیاوش - ماه بر کوهان - مشک دانه - مردان نیک - مشک مالی -
 مهربانی - ناقوس - نوبهاری - نوشین باده - نیمروز یا پنجبرگان (بربط که نام سازيست
 که فعلا بسه تار معروفست مخترع آن باربد است که بربط باربد بوده معرب شده است).
 حکیم نظامی هم در خسرو شیرین این الحان را نام برده است.

فقط از این سی برده یا آواز یا لحن چیزی که هنوز از آن عصر بیاد گار مانده
 و آوازه خوانهای قدیم مخصوصاً روضه خوانهای خوش آواز (مثل حاج مولا اسمعیل
 و حاج میرزا حیدر علی و حاج میرزا لطف الله) آنرا در منابر میخواندند (ناقوس)
 است و غیر از این سی لحن که ذکر شد باربد وضع نمود سیصد و شصت ترانه یا برده
 یا نوا یا آهنگ یا لحن دیگر نیز در بین فارسیان وجود داشته و هر کدام را در
 يك روز از سال با زمزمه میسرودند که قریب شصت از آن نواها را منوچهری
 مخصوصاً در اشعار خود نام برده که چند بیتی که نامهای نواها یا اصوات در آن ذکر
 شده مندرج میگردد. منوچهری در مستمطی گفته است:

سندس رومی در نار و نان پوشانند

خرمن مینا بر بید بنان افشانند

زند بافان بهی زند زبر خوانند

بلبلان وقت سحر زیر وستا جنبانند

قمریان راه گل و نوش لاینسا دانند

صلصلان باغ سیاوشان با سرو ستاه

زیر وستا - راه گل - نوش لاینسا - باغ سیاوشان - سرو ستاه .

اینها اسامی برده یا نوا یا آوازه های قدیمی است از آن سیصد و شصت آواز که
 قبلاً ذکر شد .

و نیز در قصیده دیگر بیشتر اسامی آوازه ها را ذکر کرده و نام برده است چنانکه

درج میشود .

دو قصیده که مطلعش اینست منوچهری گوید:
رسم بهمین گیر و از نو تازه کن بهمنجنه

ای درخت مملکت را عز و پیداری تنه

در آخر قصیده سروده است .

گاه زیر قیصران و گاه تخت اردشیر

گاه نوروز بزرگ و گاه نوای بسکنه

که نوای هفت گنج و گاه نوای گنج کاو

که نوای دیف رخس و گاه نوای ارجنه

نوبتی پالیز بان و نوبتی سرو سهی

نوبتی روشن چراغ و نوبتی کاوزنه

ساعتی سیوار تیر و ساعتی کبک دری

ساعتی سر و ستاه و ساعتی بسا روزنه

بامدادان بر چکک چون چاشتگانان بر شخج

نیمروزان بر لبینسا شامگاهان بردنه

زیر قیصران - تخت اردشیر - نوروز بزرگ - هفت گنج - (گنج کاوازالحان باربد

است) - دیف رخس - ارجنه - پالیز بان - (سر و سهی نیز ازالحان باربد است) روشن چراغ -

کاوزنه - سیوار تیر - کبک دری - سر و ستاه - باروزنه - چکک - شخج - لبینسا - دنه .

بجز دو ترانه و نوا و لحن باربد مابقی از نواهای قدیمی ایرانست که نام برد .

و غیر از این چند نوا که ذکر شد قریب شصت نوا و سرود دیگر در اشعار منوچهری
موجود میباشد .

و غیر از سرود و نواها که ذکر شد نوا و آوازهای دیگری در ایام قدیم در

ایران معمول که فعلا بعضی از آنها یادگار عهد قدیمه در موسیقی موجود و نواخته

میشود و آن نوا و سرودهایی بوده که در جشنهای گاهنبار که گاههای ششگانه باشد

نواخته میشده و اکنون بنام سه گاه - چهار گاه - و راست و پنجگانه خوانده میشود

و معمول به بین موسیقی دانها میباشد والسلام